

## غریبها هم اینطور زندگی نمیکنند!

این مقاله که از نظر خوانندگان محترم میگذرد « قسمتی، از مقاله ای است که یکی از دانشجویان با ایمان ما که در انیسبروک اطریش، « بتحصیلات عالی اشتغال دارد در پاسخ تندروهای بعضی از مجلات کشور ما تهیه کرده و چون آن مجله شهامت و انصاف لازم برای درج آن نداشته برای ما ارسال نموده است . ما بدون ذکر نام آن مجله بدرج قسمتی از آن می پردازیم و براین جوانان با ایمان واقع بین درود میفرستیم

بسیاری از مجلات که در ایران منتشر میشوند همیشه سعی دارند در نقل و تقلید نوشته‌ها و مظاهر تمدن اروپائی از هم پیشی جویند حال، گذشته از اینکه این عمل غلط است و توهین بمقدسات وآئین ملی ماست و باعث زوال روح شهامت و شجاعت و غرور ملی جوانان شده و عقده حقارتی در ایرانی - نسبت بخارجی ایجاد میکند و در نتیجه زمینه‌ای جهت استثمار غربی در بازار اقتصادی مملکت فراهم میسازد ، متأسفانه تقلیداتشان هم هیچ وجه تشابهی باصل ندارد !

مثلاً در ایران عده ای از مجلات چنان سینما را بالا برده و تقویت مینمایند و در نمایش فیلمهایی که از خارج میآیند اصرار ورزیده و در مجلات خود بمعرفی هنر پیشه‌های آمریکائی و اروپائی و شرح زندگی خصوصی و عشق‌بازیها و خصوصیات این هنر پیشه‌ها میپردازند که واقعا شرم آور است و هیچ نشریه اروپائی (غیر از یکی دو مجله که بدین منظور چاپ میشوند ) به بحث و مقاله نویسی در این خصوص تن در نمیدهد .

در سراسر اروپا بتعداد قلیل سینماهایی بمثال سینماهای درجه عالی ایران وجود دارند و کمتر فیلمی چون فیلمهایی که در ایران بمعرض نمایش گذاشته میشوند نمایش میدهند، چرا که فیلمها را قبل از نمایش تحت نظر کمیته‌ای که از: روحانیون کلیسا ، روانشناسان ، جامعه - شناسان و پژوهشگران و اقتصاددانان و غیره... تشکیل شده ، کنترل میکنند و از همه نظرات ( اخلاقی -

اجتماعی - روانی - مذهبی و حتی اقتصادی) همسجند - آنگاه اجازه نمایش آنرا صادر میکنند و هیچگاه اجازه نمیدهند که (گذشته از خروج و نابودی سرمایه‌های مملکتشان) با دست و پول خود روحیه جوانان و ملتشان خراب و منحرف گردد.

اما در ایران به‌صرف اینکه اینگونه فیلمها یک پدیده غربی هستند، و از کشورهای متمدن! می‌آیند بدون سنجش و کنترل واقعی! باید حتماً نمایش داده شوند:

در ایران کودکان درهر سنی که باشند میتوانند تنها و یا با پدر و مادرشان بسینما رفته و فیلمی را که حتی از نظر روانی تماشای آن برای بعضی از بزرگسالان ممنوع میباشد - ببینند - من خود پیاد دارم و قتیکه فیلم «دراکولا» را در ایران بمعرض نمایش گذاردند بسیاری از نونهالانی که این فیلم را دیده بودند تا مدت‌تی دچار ترس و وحشت بودند و نمیتوانستند خود را برای مدرسه حاضر کنند.

و یاهمینکه یک فیلم تاریخی درسینماها بمعرض نمایش گذاشته میشد فوراً کودکان در روزهای جمعه بسینما حمله می‌آوردند و همینکه از سینما خارج میشدند در محلات و کوچه‌ها بدو دسته تقسیم شده و با شمشیرهای تیکه از چوپ و یا احیاناً از تکه آهنی میساختند دسته‌ای بنام طرفداران «هر کول» و دسته دیگر در نقش مخالفانش بجان هم می‌افتادند و یکمرتبه بنده خود شاهد کور شدن چشم کودکی که جزء دسته مخالف بود، بودم و یا با تماشای فیلم داستان «وست ساید» در تهران دودسته از جوانان براه افتاده و در «بلوار کرچ» برای مردم مزاحمت ایجاد کرده و به کتک کاری میپرداختند!

و یا آقا و خانم با کودک بیگناه ده دوازده ساله‌شان به تئاتر و یا کاباره میروند و همان بر نامه رقص‌های لخت و استریپ تیزی را که سود جویان برای چهل سالگان متأهل و منحرف ترتیب داده‌اند تماشا میکنند.

آیا بنظر شما تماشای اینگونه صحنه‌ها چه تأثیری در روحیه کودک ده ساله خواهد گذاشت؟! بنده در تهران خود شاهد بودم که آقای فرزندی از ده ساله‌اش را به کافه شبانه برده و آنقدر باو مشروب خورانیده بود که بیچاره کودک داشت میمرد! - و قتیکه از آقای عزیز! سؤال کردم چرا این کار را کرده‌اید و گفتم که این خیانت است، مثل اینکه بگوشه سیلشان بر خورده بود گفت: فرزند من باید «مرد» باریباید نه عزیز نازی!، و شاید اگر بجای این پدری سواد پدیری «غرب زده» میبود در جواب سؤال من میگفت: فرزند من باید «متمدن» باریباید نه دهاتی!

اما در اروپا ...

اروپا تا آنجا که در دست قانون است آنرا محدود کرده، و سخت هم جلو آنرا گرفته، از

اینگونه فیلم‌ها هم در اروپا نمایش داده میشوند، اما چون تحت نظر کمیته فیلم، کلیه فیلمها مورد بررسی قرار میگیرند نمایش آنها کمتر مفاسد بار میآورد. در اروپا اصولاً ورود جوانان کمتر از ۱۸ سال (توجه فرماید هجده سال) بسینما ممنوع است فقط آنسلسله از فیلمهاییکه مخصوص سرگرمی کودکان تهیه میشوند به نسبت تشخیص روانشناسان اجازه ورود کودکان از سن ۱۰-۱۲-۱۵-۱۶ تا ۱۸ ساله برایشان تعیین میکنند. علماء فن روانشناسان اروپا ورود کودکان کمتر از ۱۰ ساله را مطلقاً بسینما ممنوع کرده اند.

در موقع ورود به تئاترها و کاباره‌ها شناسنامه جوانان در حدود هجده سال شدیداً کنترل میشود و ورود جوانان کمتر از ۱۸ سال را چه تنها و چه با پدر و مادر بتئاترها و کاباره‌ها ممنوع کرده اند جوانان کمتر از ۱۶ سال اجازه ندارند از ساعت ۲۱ بیعد، در خیابان باشند؛ البته در بعضی از شهرها بمقتضیات وسائل نقلیه و غیره استثنائاتی قائل شده اند.

... اما در ایران ما!

مجلات در اروپا تحت نظر «کمیته مطبوعات» که هر اصلی این کمیته را «کلیسا» بازی میکند کنترل میشوند. در تابستان گذشته مجله «زن در آئینه» چاپ آلمان غربی مقاله‌ای را درج کرده بود که مورد پسند مقامات روحانی کلیسا نیفتاد و مسغول مجله مذکور برای مدت طولانی تحت تعقیب قرار گرفت؛ بالاخره گذشته از آنکه، ضمن مقاله‌ای معذرت خواسته و محتویات مقاله قبل خود را تحت عنوان «خواستۀ مخالفین» نفی کرد به پرداخت مبلغ زیادی جریمه نقدی محکوم شد اما در محیط ما بعضی هر چه میخواهند مینویسند و نظر به هیچ صاحب نظری برای آنها ارزش ندارد!! گویا آزادی قلم به معنای وسیع خود برای آنها موجود است!

در یک شهر کوچک صد و چند هزار نفری اروپا روزانه بیش از چهار صد الی پانصد دختر و پسر جوان فقط از کتابخانه عمومی دانشگاه استفاده میکنند. برنامه آموزشی اداره فرهنگ (دوره دبستان و دبیرستان) کشورهای ایتالیا آلمان و اطریش تحت نظر روحانیون کلیسا تنظیم میگردد (در سایر کشورهای اروپائی اطلاعی ندارم اما از آنجا که کلیسا در کلیه شئون زندگی اروپائی رخنه دارد بدون شک در سایر کشورهای اروپای غربی نیز اینچنین است). دانش آموزان تا سال «نهم» تحصیلی موظفند روزهای «یکشنبه» را بکلیسا بروند و در برنامه مخصوص خود شرکت جویند و در هفته یکمرتبه بمحل مخصوص گناهکاران رفته و در پیشگاه کشیش «اعتراف بگناه» کنند گو اینکه کودکان، هیچ گناهی را مرتکب نشده باشند (این برنامه ایست اجباری، و جزئی از درس تعلیمات مذهبی محصلین مسیحی حساب میشود.)

## اما در ایران ما

آیا نویسندگان عده‌ای از مجلات در ایران در بر نامه اصلاحی حقوقی و پیشنهادهای خود که از غرب اقتباس کرده اند هیچکدام از این نکات را در نظر گرفته اند یا آنکه مظاهر تمدن و رسیدن به منتها درجه حقوقی و همپایه شدن با «غریبها» را فقط پوشیدن مد بالای زانو - سیگار دود کردن دخترها و موهای بی‌تلی جوانان و ویسکی نوشیدن و به کاره رفتن دانسته اند ؟

آخر مگر ما خود آئین نداریم ؟ مگر ما خود دارای آداب و رسوم بزرگی نیستیم که آنرا زنده کرده و از آن دفاع نمائیم ؟ مگر ما خود فرازهای اخلاقی و علمی نداریم ؟ مگر ما خود برای رسیدن باوج سعادت دارای کتب و رهبران فکری نیستیم ؟

دوشیزگان هندی با روپا می‌آیند و سالها در اینجا میمانند و بتحصیلات خود ادامه میدهند اما هیچگاه لباس محلی وطن خود را از تن خارج نمی‌سازند ! آنرا بهترین افتخار و معرف غرور ملی و نگهداری سنن خود میدانند - اگر مسئله پیشرفت تمدن در کشوری اینگونه باید شروع شود پس دختران هندی باید پیش از هر ملتی خود را تغییر داده باشند زیرا مدتها اروپائیان خاک و وطنشان را در قلمرو حکومت خود داشتند دختران اروپائی با پوشیدن لباسهای محلی خود ، احساس غرور و وطن دوستی در خود میکنند ( هر چه قدر هم که این لباسها زشت باشند ) اما در ایران وقتیکه يك زن دعائی با لباس محلی در شهری ظاهر میشود همه با دیده حقارت باو نگاه میکنند ، دختران ما اصولاً پوشیدن لباس محلی مملکت خود را عیب و ننگ میدانند و با بهترین بگویم پوشیدن لباسی را که مارک غرب نداشته باشد !  
( دنباله این مقاله را در شماره بعد مطالعه فرمائید )

## آرزوهای بیمورد!

علی (ع) در ضمن نصایح خود بحضرت مجتبی (ع) فرمود:

إِيَّاكَ وَالْإِتِّكَالَ عَلَى الْمَنِيِّ فَإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْصِيِّ

یعنی « فرزند عزیز از آرزوهای بیمورد بهره‌یز و بر آن تکیه

مکن زیرا تکیه بر اینگونه آرزوها ممانع مردم کوتاه فکر است »

« غرر الحکم ص ۴۳ »